



## New Ways to Know the Class of Narrators

Mohammad Lotfipour<sup>1</sup>  
Sayed Alireza Hosayni Shirazi<sup>2</sup>

Received: 09/08/2023

Accepted: 03/12/2023

DOI: 10.22051/TQH.2023.44638.3969

### Abstract

Knowing the class of narrators found in hadith sanads is one of the most fundamental needs in the process of authenticating Shiite hadiths. For in the evaluation of hadith, knowing the class of narrators and verifying the connection between the chain of transmitters has a fundamental role. The class of the narrator means the approximate age of his hadith activities during two periods of carrying the hadith (time of learning) and transmitting the hadith (time of teaching to later generations). Contemporary Shiite Rijāl Scholars use various methods to recognize the class of narrators. The experience of the authors in para-hadith studies related to the class of narrators shows that these methods cannot answer all the challenges facing the class of narrators. This article, according to the information available in the Shiite rejāl, lists, and hadith sources, tries to present four new methods of knowing classes, through which many remaining challenges may be overcome. The applicability of some of these methods in opening up recognizing the classes of three narrators active in the transmission of Imāmī hadith, i.e., Ibrahim ibn Hashem, Muhammad ibn Isa ibn Ubaid, and Muhammad bin Ahmad ibn Yahya- would be shown.

**Keywords:** Class of Narrator, Ibrahim ibn Hashem, Muhammad bin Isa ibn Ubaid, Muhammad bin Ahmad ibn Yahya

---

<sup>1</sup>. Graduate of the third level of Specialized Center of Hadith Sciences of Qom Seminary, Qom, Iran (corresponding author). Email: [mohammad.lotfipur@gmail.com](mailto:mohammad.lotfipur@gmail.com)

<sup>2</sup>. Senior Professor of Specialized Center of Hadith Sciences of Qom Seminary, Qom, Iran. Email: [sahoseini14@gmail.com](mailto:sahoseini14@gmail.com)

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء<sup>(ع.م.ا.ع.)</sup>

سال بیست و یکم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳، پیاپی ۶۱

مقاله علمی - پژوهشی، صص ۱۳۹-۱۱۱

## راه کارهای نوین در شناخت طبقه راویان

محمد لطفی پور<sup>۱</sup>

سید علیرضا حسینی شیرازی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۲

DOI: [10.22051/TQH.2023.44638.3969](https://doi.org/10.22051/TQH.2023.44638.3969)

### چکیده

شناخت طبقه راویان واقع در اسناد احادیث، یکی از بنیادی‌ترین نیازها در فرایند اعتبارسنجی احادیث شیعه است؛ زیرا در ارزیابی احادیث، شناخت طبقه راوی و دستیابی به اتصال سلسله راویان سند، تاثیر بنیادین دارد. طبقه راوی به معنای شناخت تقریبی عصر فعالیت‌های حدیثی راوی در دو دوره تحمل (زمان علم‌آموزی و اخذ حدیث) و اداء (آموزش اندوخته‌ها به نسل‌های پسین) می‌باشد. دانشیان رجال شیعه در دوران معاصر، برای شناسایی طبقه راویان از راه کارهای گوناگون بهره می‌جویند. تجربه نگارندگان در مطالعات پیرا حدیثی مرتبط با طبقه راوی، بیان‌گر آن است که این راه کارها، نمی‌تواند تمام چالش‌های فراروی شناخت طبقه راویان را، پاسخ‌گو باشد. نوشتار حاضر، با توجه به اطلاعات موجود در منابع رجالی، فهرستی و حدیثی شیعه، سعی در ارائه چهار راه کار نوین طبقه‌شناسی دارد که از رهگذر آن، بتوان از بسیاری از چالش‌های باقی‌مانده، گذر کرد. عملکرد برخی از این راه کارها در گشودن چالش‌های طبقه‌شناسی سه تن از راویان فعال در عرصه انتقال تراث حدیثی امامیه، یعنی ابراهیم بن هاشم، محمد بن عیسی بن عبید و محمد بن احمد بن یحیی، به نمایش گذاشته شده است.

**واژه‌های کلیدی:** طبقه راوی، ابراهیم بن هاشم، محمد بن عیسی بن عبید، محمد بن احمد بن

یحیی.

۱. دانش آموخته سطح ۳ مرکز تخصصی علوم حدیث حوزه علمیه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

m\_lotfipur@yahoo.com

Sahoseini14@gmail.com

۲. استاد سطح عالی مرکز تخصصی علوم حدیث حوزه علمیه قم، قم، ایران.

### ۱. بیان مسئله

در فرآیند اعتبارسنجی حدیث، گفت و شنود پیرامون مرزبندی و ساماندهی طبقه راویان به عنوان یکی از نیازهای بنیادین دانش رجال، نمود چشم‌گیری پیدا می‌کند؛ زیرا در ارزیابی احادیث، شناخت طبقه راوی و احراز اتصال ارتباط میان سلسله راویان سند، تاثیر بنیادین دارد.

دانشیان رجال شیعه در دوران معاصر، برای شناسایی طبقه راویان از راه کارهای زیر بهره می‌جویند:

۱) تعیین دقیق هم‌عصر بودن راوی با امام معصوم<sup>(ع)</sup>، که با رجوع به منابع ویژه طبقه‌یابی راویان مانند: *رجال برقی* و *رجال شیخ طوسی* و *رجال کشی* صورت می‌پذیرد.  
 ۲) شناخت اساتید و شاگردان راوی از دیگر پدیده‌های اثرگذار در شناخت طبقه راویان است. دانشیان با رجوع به دو دسته از منابع و کاوش و پردازش اطلاعات آن، به این هدف دست می‌یازند.

نخستین دسته، دو کتاب *فهرست شیخ طوسی* و *فهرست نجاشی* است. این دو کتاب به دلیل در اختیار قرار دادن اطلاعات طرق به کتاب‌های اصحاب، به شکل غیرمستقیم، به بیان رابطه روایی بسیاری از راویان پرداخته و زمینه کشف رابطه شاگرد و استادی میان راویان را فراهم می‌کند.

دسته دوم، آن گروه از جوامع رجالی که با جمع‌آوری اطلاعات موجود در اسناد کتاب‌های حدیثی، یا منابع فهرستی به معرفی شاگردان و اساتید راوی پرداخته‌است. *جامع الرواة* محقق اردبیلی و *معجم رجال الحدیث* آیت‌الله خوئی در این دسته جای می‌گیرد.

۳) بهره‌گیری از طبقات شماره‌گذاری شده که توضیح آن در بخش دوم خواهد آمد.

۴) استفاده از قرائن مختلف مانند: سال وفات، سال زنده بودن، گزارش‌های حکایت‌گر از زمان زندگی که از منابع رجالی و حدیثی به دست می‌آید.

تجربه نگارندگان در مطالعات پیرا حدیثی مرتبط با طبقه راوی، بیان گر آن است که راه کارهای پیش گفته، نمی تواند تمام چالش های فرا روی شناخت طبقه راویان را، پاسخ گو باشد. نوشتار حاضر، با توجه به دیگر اطلاعات موجود در منابع رجالی، فهرستی و حدیثی شیعه، سعی در ارائه راه کارهای نوین طبقه شناسی دارد که از رهگذر آن، بتوان از بسیاری از چالش های باقی مانده، گذر کرد.

گفتنی است که هر چند در لابه لای مباحث تحقیقی رجالی که به منابع رجالی و فقهی راه یافته اند، می توان به شکل پراکنده، شاهد گفته هایی در ارتباط با طبقات راویان بود، اما نویسندگان نوشتار حاضر به پژوهشی که به شکل ویژه به طبقه پژوهی و راه کارهای گوناگون برون رفت از مشکلات طبقات راویان باشد، دست نیافته اند.

## ۲. چیهستی طبقه راوی و چگونگی نگرش به آن

ریشه واژه طبقه، یعنی «طبق»، در لغت به معنای قرار دادن یک شیء بر روی شیئی مانند خود، به گونه ای که او را بیوشاند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴۳۹). تعاریف مختلفی<sup>۱</sup> برای معنای اصطلاحی این واژه در علوم حدیث، به دست داده شده است. از جمله می توان به تعریف سیوطی<sup>۲</sup> (بی تا، ج ۲، ص ۹۰۹) اشاره کرد که مورد پذیرش برخی دانشیان شیعی پیرو حوزه حدیثی حله، از جمله شهید ثانی قرار گرفت. وی می گوید:

«الطبقةُ فی الإصطلاح: عبارةٌ عن جماعةٍ اشترکوا فی السنن، ولقاء المشایخ فهم طبقةٌ، ثم بعدهم طبقةٌ أُخری» (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۸۸).

نوشتار حاضر، به منظور خودداری از ورود به نزاعها پیرامون تعریف طبقه راوی، تعریفی نو را که شاید به گونه ای از تعاریف دیگر به دست آمده باشد، ارائه می دهد: شناخت تقریبی عصر فعالیت های حدیثی راوی در دو دوره: تحمل (زمان علم آموزی و اخذ حدیث) و اداء (آموزش اندوخته ها به نسل های پسین).

۱. مجال علم الطبقات هو «البحث عن العلاقات المختلفة التي تربط اهل العلم بعضهم ببعض، او تميز بعضهم من بعض». (سالم تیم، ۱۴۱۵، ص ۸)؛ «الطبقة هي الجيل الواحد من الرواة، او هي مجموعة من الرواة اشترکوا فی التلقى و التحديث

فترة محددة من الزمن، او مجموعة منهم ممن اشترک فی السنن و التلقى و التحديث». (شبر، ۱۴۳۵، ص ۱۴)  
 ۲. قَوْمٌ تَقَارَبُوا فِي السَّنِّ وَالْإِسْنَادِ أَوْ فِي الْإِسْنَادِ فَقَطَّ بِأَنْ يَكُونَ شُبُوحٌ هَذَا هُمْ شُبُوحُ الْآخِرِ، أَوْ يَقَارَبُوا شُبُوحَهُ.

سیر تطور بیان طبقه راوی توسط دانشیان رجال شیعه را می توان در پنج گونه جای داد:

**گونه نخست:** گونه راه یافته به کتاب های رجال برقی، شیخ صدوق<sup>۱</sup> و شیخ طوسی است. اهتمام این دسته از کتاب ها، به بیان و معرفی طبقه راوی بر پایه ارتباط با یک یا چند معصوم است<sup>۲</sup>. در این روش، پژوهش گر با اطلاعات تفصیلی روبرو نیست، بلکه صرفاً با این پدیده آشنا می شود که راوی مورد نظر وی، با یک یا چند معصوم دارای ارتباط روایی بوده است. این گونه، از ارائه اطلاعاتی همچون زمان آشنایی راوی با معصوم، میزان و حجم روایات وی از معصوم و موضوعات روایت شده وی، خودداری می کند.<sup>۳</sup>

**گونه دوم:** بیان طبقه بر اساس جمع آوری قرینه ها است که نمود بارز آن، در رجال کشی و رجال نجاشی مشاهده می گردد. در این شیوه برای شناسایی طبقه راوی، به شکل پراکنده، از چهار راه کار استفاده شده است:

۱. تعیین روایت راوی از معصوم خاص؛
  ۲. اشاره به شاگرد راوی مورد نظر؛
  ۳. ذکر تاریخ ولادت و وفات (در حد امکان)؛<sup>۴</sup>
  ۴. ذکر نسب کامل راوی تا جایی که شناخت عصر حیات راوی قابل تخمین باشد.
- گونه سوم:** بیان طبقه بر اساس ذکر اساتید و شاگردان راوی است که پایه گذار آن محمدبن علی اردبیلی در کتاب جامع الزوارة و إزاحة الأشتباهات عن الطریق و الأُسناد

۱. شیخ صدوق (م. ۳۸۱ق) دارای کتاب رجالی، تحت عنوان: المصابیح است. این کتاب شامل پانزده «مصباح» است که فهرست اسامی راویان از هر یک از معصومان<sup>(ع)</sup>، ذیل یک «مصباح» آورده شده است. در مصباح پانزدهم نیز فهرست اسامی اشخاصی که دارای توقیع بوده اند، وجود دارد (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۹۰، ش ۱۰۴۹).

۲. ناگفته نماند که گاه در منابع طبقات نگاری شاهد توثیق و تضعیف راویان نیز هستیم. نمونه گویای این رفتار را در رجال شیخ طوسی می توان مشاهده کرد.

۳. به عنوان نمونه، شیخ طوسی، زرارة بن أعین، راوی نام آشنا و پرکار شیعی، را که در عرصه های مختلف معارف شیعی از امام باقر<sup>(ع)</sup> و امام صادق<sup>(ع)</sup> روایت دارد، در ذیل راویان از امام باقر<sup>(ع)</sup>، این گونه معرفی می کند: «زرارة بن أعین الشیبانی مولا هم» (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۱۳۶، ش ۱۴۲۲). در یادکرد از راویان امام صادق<sup>(ع)</sup> نیز می گوید: «زرارة بن أعین الشیبانی مولا هم، کوفی. یکنی أبی الحسن. مات سنة خمسین و مائة بعد أبی عبدالله» (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۲۱۰، ش ۲۷۴۴).

۴. با جستجوی واژگانی مانند: مات، سنة، توفی در اصول شش گانه رجالی شیعه تنها با بازتاب بیش از دویست داده رجالی درباره تاریخ وفات راویان مواجه هستیم.

می‌باشد. آیت‌الله خوئی در کتاب *مُعْجَم رِجَالِ الْحَدِيثِ وَ تَفْصِيلِ طَبَقَاتِ الرِّوَاةِ* به تکمیل این شیوه پرداخته است.

**گونه چهارم:** بیان طبقه راویان بر پایه شماره‌گذاری است. این روش برای نخستین بار، توسط مجلسی اول (م. ۱۰۷۰ق) به کار گرفته شده است (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۴، ص ۳۲۳). وی با کنار هم گذاردن راویان و محدثان نام‌آشنای هر دوره، به دوازده طبقه از راویان دست یافته است. بعد از ایشان، سید علی اصغر جاپلّقی بروجردی (م. ۱۳۱۳ق) در کتاب *طرائف المقال فی معرفة طبقات الرواة*<sup>۱</sup> به تکمیل این شیوه همت گمارد. آیت‌الله بروجردی با توجه به کاستی‌های موجود در روش شیخ طوسی، اشکالاتی را متوجه آن دانسته و در مقدمه دوم ترتیب *اسانید الکافی* به روش خود در تنظیم طبقات پرداخته است. ایشان ملاک مرزبندی مدت هر طبقه را ۳۰ سال قرار داد؛ چون معتقد بود تفاوت زمانی معمول میان شیخ و راوی ۳۰ سال است. وی راویان حدیث را از صحابه تا شیخ طوسی در ۱۲ طبقه مرتب ساخت و در هر طبقه اسامی تعدادی از راویان را ذکر کرد. برخی از معاصران نقدهایی را متوجه این روش دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

۱. مؤلف، طبقات رجال حدیث را بر ۳۱ طبقه تقسیم کرده است؛ به این ترتیب که در طبقه اول، رجال زمان حیات خود را معوّفی کرده و سپس به ترتیب، رجال طبقه‌های بعدی تا طبقه سی‌ویکم (که شامل صحابیان رسول خداست) را ذکر کرده است (الجابلیقی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۳).

۲. استاد سید محمد جواد شبیری زنجانی در درس گفتارهای خویش، اشکالاتی را به روش ایشان، فراز آورده است: **اشکال اول:** در این روش، بطور تقریبی هر ۳۰ سال به عنوان یک طبقه محاسبه شده است. این درحالی است که هر ۳۰ سال یک نسل متولد نمی‌شود، بلکه ولادت‌ها به صورت روزانه است. در این روش، سال اول، طبقه اول و سال ۳۰، طبقه دوم دانسته شده است. به‌طور مثال: اگر فردی سال ۲۵ به دنیا بیاید وی را در طبقه اول به‌شمار می‌آوریم و اگر در سال ۳۵ متولد شود در طبقه دوم قرار می‌گیرد؛ حال آنکه فاصله این دو نفر، ۱۰ سال می‌باشد که کمتر از فاصله سال اول و سال ۲۵ است که در یک طبقه قرار داشته‌اند.

**اشکال دوم:** باید توجه داشت که برخی راویان که در یک بازه زمانی متولد شده‌اند، حال آن که یک یا چند نفر در این بازه دارای عمر طولانی بوده و همزمان با افراد همان طبقه، وفات نکرده‌اند. از سوی دیگر می‌توان راویانی را یافت که از عمر کوتاه برخوردار بوده و پیش از سایر هم‌طبقه‌های خویش از دنیا رفته‌اند. در نتیجه، چه زمان ولادت و چه سال وفات ملاک محاسبه طبقات قرار داده شود، با مشکل جدی روبرو خواهیم شد.

**اشکال سوم:** برخی از راویان از استاد خود و هم از استاد استاد خویش نقل روایت کرده‌اند. احمدبن محمدبن عیسی با وجود این که شاگرد محمدبن ابی‌عمیر بوده و در اسناد کتب اربعه بیش از ۸۰۰ سند از وی به شکل مستقیم روایت می‌کند، با این وجود در بیش از ۲۰۰ سند توسط حسین بن سعید از ابن ابی‌عمیر روایت کرده است. بنابراین، احمدبن محمدبن عیسی، هم از استاد خود؛ حسین بن سعید روایات فراوانی دارد و هم از استاد استاد خود؛ محمدبن ابی‌عمیر.

**گونه پنجم:** به دلیل مشکلاتی که در شماره گذاری طبقات وجود دارد؛ برخی مانند: استاد سید محمدجواد شبیری زنجانی به جای بهره‌وری از اصطلاح «طبقات» از عبارت «راوی و مروی عنه» استفاده می‌کند. وی معتقد است این روش تمام فوائد طبقات را در برداشته و خالی از چالش‌های پیش‌گفته است. معیار و ضابطه در این شیوه، فراوانی روایت است و تعداد اندک روایت نمی‌تواند تعیین‌کننده باشد. بایسته است که روایات اندک با موارد کثیر مقیاس‌گذاری شود. در این روش، معیار اصلی تشخیص اسناد یا ارسال در سند، فراوانی روایات و قرائن جانبی است.

در این شیوه افرادی به عنوان شاخص قرار داده می‌شود. مثلاً:

احمدبن محمدبن عیسی را به عنوان شاخص بپذیریم، حسین بن سعید با اندک فاصله‌ای بر وی متقدم است و نیز علی بن ابراهیم با فاصله ناچیز از او متاخر می‌باشد. بر پایه نظریه طبقات آیت‌الله بروجردی، این سه راوی در یک طبقه قرار دارند اما بر پایه این روش، افراد پیش‌گفته در سه بخش و هر بخش، دو یا سه برابر طبقات در نظر گرفته می‌شود. در این شیوه، یک پژوهشگر به دنبال جست‌وجوی طبقه راوی، بر پایه اصطلاح آیت‌الله بروجردی، نیست بلکه با وجود قرائن و «راوی و مروی عنه»، ارسال یا عدم ارسال سند روایت را استظهار می‌کند. گرچه این روش، دشوارتر به نظر می‌رسد اما دقیق‌تر است و اشکالات پیش‌گفته در پانویست پیشین را دربر ندارد (شبیری زنجانی، درس‌گفتارهای رجال، جلسه ۲۶).

با توجه به نقش و جایگاه شناخت طبقه راوی در تشخیص اموری همچون: سقط و افتادگی در سند، کشف تصحیفات و تحریفات، تشخیص قلب در سند (جابه‌جایی نام راوی)، تشخیص هویت واقعی راویان هم‌نام در اسناد، تعیین دقیق نام معصوم، کشف مذهب راوی، شناخت دقیق‌تر تعاملات حوزه‌های حدیثی، بازسازی اسناد ویژه، نوشتار حاضر به تبیین راه کارهای نوین طبقه‌شناسی می‌پردازد (درباره فوائد شناخت طبقه

---

این بدان معناست که حسین بن سعید هم استاد احمدبن محمدبن عیسی بوده و هم شاگرد ابن ابی عمیر که استاد احمدبن محمدبن عیسی بوده است (شبیری زنجانی، سید محمدجواد، «درس‌گفتارهای رجال»، جلسه ۲۶، با اندکی تصرف).

راویان، ر.ک: العاملی، بی تا، ص ۱۶۱؛ سالم تیم، ۱۴۱۵، ص ۷۱ تا ۱۱۹؛ الطباطبائی البروجردی، ۱۴۲۱، ص ۷ و ۸؛ ماجد الربیعی، ۱۴۲۹، ص ۳۲).

### ۳. راه کارهای نوین طبقه‌شناسی راویان

أسناد احادیث، یکی از منابع کارآمد و اثرگذار در کشف فرایند اعتبار احادیث است. سوگ‌مندانه باید گفت: آن چنان که باید از داده‌ها و توانایی‌های نهفته در اسناد، در حل مسائل پیرا حدیثی و برون رفت از برخی چالش‌ها، استفاده نشده است. چهار راه کار نوین طبقه‌شناسی راویان که در پی خواهد آمد به نوعی با داده‌های موجود در أسناد احادیث پیوند خورده و در صدد چالش‌زدایی از طبقه راویان است.

#### ۳-۱. راه کار اول؛ تخمین دوره زندگی راوی (ولادت و وفات)

ترسیم بازه زمانی حیات راوی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شناخت طبقه راوی است. پرواضح است که در این رابطه، تاریخ ولادت و وفات راویان نقش بنیادین دارد. متأسفانه در زمینه ولادت و وفات راویان، اطلاعات کافی در منابع اعتبارسنجی شیعه وجود ندارد. به همین منظور در این پژوهش با به کارگیری برخی شیوه‌ها، به شواهد و قرینه‌های موجود پیرامون راویان توجه شده و با تحلیل آن، به گمانه‌ای در بیان بازه زمانی حیات برخی راویان، تاریخ ولادت و وفات، دست می‌باییم.

#### ۳-۱-۱. شیوه تخمین تاریخ ولادت راوی

یکی از عناصر بنیادین در تخمین ولادت راوی، تعیین محدوده سنّ راوی برای آغاز تحمل حدیث در بستر فرهنگی شیعی است. جست‌وجوی نگارندگان، کاشف از آن است که در منابع شیعی به صورت گسترده به این مهم پرداخته نشده است. این بحث اما، در میان نگاشته‌های دانش درایه مربوط به عامه به تفصیل مشاهده می‌شود. در منابع دانش درایه عامه، ملاک‌های سنی مختلفی جهت آغاز تحمل حدیث پیشنهاد کرده‌اند. قاضی عیاض با استناد به حدیث محمود بن ربیع<sup>۱</sup>، آغاز تحمل حدیث را از پنج سالگی می‌داند.

<sup>۱</sup> عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الرَّبِيعِ، قَالَ: «عَقَلْتُ مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَجَّةً مَجَّهَا فِي وَجْهِي وَ أَنَا ابْنُ خَمْسِ سِنِينَ مِنْ دَلْوٍ» (البخاري، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۳۶).



(عیاض بن موسی، ۱۳۷۹، ص ۶۲). اهل کوفه نظر خویش را بر پایه ۲۰ سالگی و اهل شام بر ۳۰ سالگی بنا گذاشتند (ابن صلاح، ۱۴۰۶، ص ۱۲۹). اما تعیین سن با روش‌های پیش گفته، مورد قبول همه دانشیان علوم حدیث واقع نشده است (السیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۴۱۶؛ عتر الحلبي، ۱۴۱۸، ص ۲۱۱). از نظر آنان، برخورداری از قوه‌ی تمییز، بهترین ملاک شروع تحمل است. این قوه برای اشخاص گوناگون به دلیل تفاوت سطح ادراک‌ها و استعدادها مختلف می‌باشد. منظور از قوه تمییز آن است که راوی متوجه خطاب شده و واکنش لازم را در مقام تحمل حدیث انجام دهد (النووي، ۱۴۰۵، ص ۵۴). یا بتواند بین حدیث و غیر حدیث تمایز قائل شود (شهیدثانی، ۱۴۱۳، ص ۲۱۷).

در منابع اعتبارسنجی شیعه، به‌گاه رجوع به ترجمه علی بن حسن بن فضال در کتاب نجاشی با پدیده مهمی روبرو می‌شویم. علی بن حسن، از تحدیث بسیاری از احادیثی که از پدر خویش شنیده و تحمل کرده است، خودداری می‌کند. دلیل این امر از زبان وی چنین نقل شده است:

«در سن ۱۸ سالگی کتاب‌های پدرم را تحمل کرده‌ام، اما چون ادراکی نسبت به آن‌ها در این سن نداشتم، جایز نیست که از جانب پدرم نقل روایت کنم.» (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۵۸، ش ۶۷۶).

اگر بر پایه این سخن، شروع تحمل حدیث را در بستر فرهنگی شیعه، میان ۲۰ تا ۲۵ سالگی فرض کنیم، می‌توان به عنوان نمونه، گمانه تاریخ ولادت سه تن از راویان پُرکار و فعال را به گونه زیر برآورد کرد:

**۱. گمانه تاریخ ولادت محمد بن عیسی بن عبید:** قرینه‌هایی که تاکنون به دست ما رسیده است، نشان می‌دهد که کهن‌ترین تاریخ تحمل حدیث توسط محمد بن عیسی بن عبید در سال ۱۹۸ هجری قمری در مکه از ابراهیم بن عبدالحمید بوده است. (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۱۵، ش ۴۶) همچنین وی در همان سال از عبدالله بن میمون قَدّاح به فراگیری و شنیدن حدیث پرداخته است (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۲۰، ش ۶۷).

اگر بر پایه معیار پیش گفته، آغاز تحمل حدیث محمد بن عیسی را، از ۲۰ تا ۲۵ سالگی بدانیم، می‌توان ولادت وی را میان سال‌های ۱۷۳ تا ۱۷۸ هجری قمری تخمین زد.<sup>۱</sup>

**۲. گمانه تاریخ ولادت ابراهیم بن هاشم:** ابراهیم بن هاشم از جمله راویانی است که منابع اعتبارسنجی شیعه، کم‌ترین اطلاعات ممکن را درباره او ارائه کرده‌اند. با توجه به عبارت فهرست شیخ طوسی و فهرست نجاشی که او را اولین ناشر احادیث کوفیان، در قم می‌دانند (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۱۱، ش ۶؛ نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۶، ش ۱۸)، تخمین سال ولادت ابراهیم بن هاشم، قرینه‌ای است که در راستی‌آزمایی این ادعا پژوهش‌گر را یاری می‌رساند (برای آگاهی از طبقه ابراهیم بن هاشم و چگونگی ارتباط وی با حوزه حدیثی قم، ر.ک: حسینی شیرازی، ۱۴۰۰).

در این بخش از سخن، با توجه به تاریخ وفات برخی اساتید ابراهیم بن هاشم، که در جدول زیر ترسیم شده است، به تخمین تاریخ ولادت وی می‌پردازیم:

اساتید ابراهیم بن هاشم	تاریخ وفات
حماد بن عیسی جهنی	۲۰۸ یا ۲۰۹
صفوان بن یحیی	۳۲۱۰
محمد بن ابی عمیر	۴۲۱۷
احمد بن محمد بن ابی نصر بزندی	۵۲۲۱
حسن بن محبوب	۶۲۲۴

<sup>۱</sup>. مرحوم مامقانی با اشاره به بعضی از قرائن، سال ولادت محمد بن عیسی را سال ۱۸۰ق و یا قبل از آن، تخمین زده است: «فالإمارات المذكورة تشهد بولادة محمد بن عیسی في حدود المائة و ثمانين فما قبلها» (مامقانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۶۹).  
گفتنی است کشف تاریخ ولادت محمد بن عیسی بن عبید در برون رفت از چالش ارتباط روایی وی با امام رضا<sup>(ع)</sup> تأثیرگذار است. بر پایه میانگین به دست آمده، امکان روایت مستقیم او از امام رضا<sup>(ع)</sup> ثابت شده و ارسال پنداشته شده از سوی برخی صاحب‌نظران، بر طرف می‌گردد (برای آگاهی بیشتر ر.ک: حسینی شیرازی، لطفی پور، ۱۴۰۲، فصل اول).

<sup>۲</sup>. کشی، ۱۴۰۹، ص ۳۱۷، ش ۵۷۲: «عاش إلى وقت الرضا (ع) و توفي سنة تسع و مائتين».

<sup>۳</sup>. نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۹۸، ش ۵۲۴.

<sup>۴</sup>. نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۲۸، ش ۸۸۷.

<sup>۵</sup>. نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۷۷، ش ۱۸۲.

<sup>۶</sup>. کشی، ۱۴۰۹، ص ۵۸۴، ش ۱۰۹۴.

با توجه به داده‌های پیش گفته در جدول، می‌توان حماد بن عیسی را نخستین استاد ابراهیم بن هاشم بدانیم. اگر این گونه تصور کنیم که وی در سال‌های پایانی عمر حماد (چهار سال قبل از وفات یعنی سال ۲۰۵) به تحمل حدیث پرداخته باشد و ابراهیم بن هاشم بر پایه سن معیار تحمل میان ۲۰ تا ۲۵ داشته است، در نتیجه می‌توان سال ولادت وی را میان ۱۸۰ تا ۱۸۵ هجری قمری دانست<sup>۱</sup>.

**۳. گمانه تاریخ ولادت محمد بن احمد بن یحیی:** محمد بن احمد بن یحیی از راویانی است که از دیرباز مورد گفت و گو و اهتمام در نگاه دانشیان رجال شیعه بوده است. از جمله دغدغه‌های نمود یافته در نگاه دانشیان و پژوهش‌گران، چگونگی ارتباط وی با محمد بن عیسی بن عبید است. گروهی بر این باورند که محمد بن احمد بن یحیی روایت مستقیم از محمد بن عیسی بن عبید نداشته و آنچه در آینه اسناد منعکس شده است، مرسل و دارای خلل می‌باشد. نوشتار حاضر نشان می‌دهد که هیچ مانعی در ارتباط روایی میان محمد بن احمد بن یحیی و محمد بن عیسی بن عبید وجود ندارد. در این فراز با تکیه بر تاریخ وفات برخی مشایخ وی، که عمدتاً کوفی بوده یا در کوفه فعالیت حدیثی داشته‌اند، تاریخ ولادت وی را تخمین خواهیم زد.

۱. گمانه تاریخ ولادت ابراهیم بن هاشم که در متن بیان گردید با بیان آقاي موحد ابطحي در کتاب تهذيب المقال همسویی دارد: «الظاهر أن إبراهيم بن هاشم وُلد في عصر أبي الحسن الكاظم (ع) إذ كان وفاته (عليه السلام) سنة ۱۸۳ أو ۱۸۶ أو ۱۸۹، و لا يوجد أثر لتشرّفه بزيارته. نعم روى عن أصحابه، و عن جماعة من أصحاب أبي عبدالله (ع) كما ستقف عليه. و نشأ في أيام الرضا (ع)» (موحد ابطحي، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۷۵). گفتنی است که آیت الله بروجردی سال ولادت ابراهیم بن هاشم را ۱۹۰ هجری می‌دانست (الطباطبائي البروجردی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۹۸)؛ لکن این نظر با چالش‌هایی روبروست. از جمله اگر شروع اخذ حدیث ابراهیم بن هاشم از حماد بن عیسی را سال ۲۰۵ بدانیم، سن وی در این زمان حدود ۱۵ سال می‌شود. پذیرش چنین سنی در بستر فرهنگی شیعه برای شروع تحمل حدیث با دشواری همراه است.

سال وفات	اساتید محمد بن احمد بن یحیی
۱۲۶۰	احمد بن حسن بن علی بن فضال
حدود ۲۲۶۵	محمد بن عیسی بن عبید
۲۲۶۲	محمد بن حسین بن ابی الخطاب
حدود ۲۲۶۵	ابراهیم بن هاشم قمی
۵۲۶۷	احمد بن هلال عبرتائی
۶۲۸۰	احمد بن محمد بن خالد برقی

شاید چنین پنداشته شود که، برآیند داده‌های تاریخی جدول پیش‌رو، با توجه به آنچه که در تخمین ولادت ابراهیم بن هاشم گفته‌شد، ولادت محمد بن احمد بن یحیی در حدود سال ۲۳۰ هجری قمری است، اما به نظر می‌رسد، این برداشت صحیح نباشد. توضیح آن که محمد بن احمد بن یحیی، قمی است. اما، هم‌چنان که در جدول مشاهده می‌شود مهم‌ترین مشایخ وی، یا کوفی هستند و یا در کوفه فعالیت حدیثی داشته‌اند. به نظر می‌رسد پدیده کوفی بودن مشایخ وی، قدری ارکان معادله را تغییر دهد. انتخاب ۲۰ یا ۲۵ سالگی را، برای آغاز تحمل حدیث از سوی اساتید، به شکل طبیعی باید در خصوص راویانی معیار قرارداد که از اساتید دیار خود، بهره حدیثی برده باشند؛ زیرا به محض

۱. نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۸۱، ش ۱۹۴.

۲. ر.ک: حسینی شیرازی، لطفی پور، ۱۴۰۲، فصل اول.

۳. نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۳۴، ش ۸۹۷.

۴. شیخ طوسی شهادت امام هادی (ع) را به نقل از ابراهیم بن هاشم در سال ۲۵۴ هجری گزارش کرده (۱۴۱۱، مصباح‌المتنهجد، ج ۲، ص ۸۱۹) که بیان‌گر زنده بودن ابراهیم تا آن سال می‌باشد؛ اما در کتاب *ابراهیم بن هاشم؛ بازخوانی فرایند انتقال حدیث کوفه به قم، گمانه‌های وثاقت* با تحلیل قرینه‌های گوناگون، گمانه سال ۲۶۵ هجری به عنوان سال وفات او پذیرفته شده است (حسینی شیرازی، ۱۴۰۰، ص ۵۹).

۵. نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۸۳، ش ۱۹۹.

۶. نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۷۶، ش ۱۷۲. در مورد سال وفات احمد برقی، نجاشی دو تاریخ را یادآور می‌شود: «ابن غضائری در کتاب تاریخ خود، وی را متوفای سال ۲۷۴ و علی بن محمد ماجیلویه (نوه احمد برقی) وفات وی را در سال ۲۸۰ می‌داند.» البته با توجه به قُرب زمانی ماجیلویه نسبت به احمد برقی، همچنین هم‌خاندانی با وی، شاید بتوان نظریه دوم (سال ۲۸۰) را صائب دانست.

رسیدن به مرز توان تحمل حدیث، می‌توانند فعالیت حدیثی خود را آغازکنند. اما در فرض مورد گفت‌وگو، چه بسا راوی به دلیل مجموع شرایط پیرامونی در جغرافیای تولد خویش، پس از مدتی از آغاز فعالیت حدیثی، به این درک برسد که برای تکمیل یافته‌ها و دستیابی به آموزه‌های حدیثی شیعه نیازمند مهاجرت به دیگر نقاط جغرافیایی است؛ جغرافیایی که هم نسبت به آن و هم نسبت به مشایخ حدیثی سرشناس و فعال در آن، نیازمند آشنایی پیشین است. بر همین پایه نمی‌توان سال ۲۳۰ را به عنوان سال ولادت محمدبن‌احمدبن‌یحیی تخمین زد. به نظر می‌رسد که وی در بازه زمانی سال‌های ۲۲۰ تا ۲۲۵ به دنیا آمده باشد.

### ۳-۱-۲. گمانه تاریخ وفات راوی؛ نمونه موردی محمدبن‌احمدبن‌یحیی

پیش از این در پانوشت گذشت که با جست‌وجوی واژگانی مانند: مات، سنة، توفی در کتاب‌های شش‌گانه رجالی شیعه، تنها با بازتاب بیش از دویست داده رجالی درباره تاریخ وفات راویان روبرو هستیم. طبیعی است که این حجم از داده‌ها، تأمین‌کننده نیازها در پژوهش‌های تاریخی درخصوص راویان، حتی مشهورترین ایشان، نیست. در خصوص راویانی که هیچ‌گونه تصریحی به تاریخ وفات آن‌ها نشده، بایسته است به شیوه تخمین سال وفات بر پایه قرینه‌ها، روی آورد. برای رسیدن به این مقصود، بایسته آن است که با توجه به تنوع قرینه‌ها، سه گام برداشته شده و در گام نهایی به جمع‌بندی قرائن و تحلیل آن‌ها پرداخته شود. در این بخش، با تکیه بر این سه گام، به تخمین سال وفات محمدبن‌احمدبن‌یحیی پرداخته‌ایم (برای آگاهی بیشتر ر.ک: حسینی شیرازی، لطفی پور، ۱۴۰۲، فصل چهارم).

### الف) گام اول: کاوش در منابع اعتبارسنجی و حدیثی

نگارندگان در هیچ یک از منابع مکتوب به‌سال وفات محمدبن‌احمدبن‌یحیی برخورد نداشته‌اند؛ اما از گزارش پیش‌رو به‌روشنی برداشت می‌شود که وی تا پس از سال ۲۹۰ هجری قمری زنده بوده است:

«أَخْبَرَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ بْنُ أَبِي جَدِّ الْقُمِّيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي صَالِحٍ قَالَ: سَأَلْتَنِي بَعْضُ النَّاسِ فِي سَنَةِ

تَسْعِينَ وَ مِائَتَيْنِ<sup>۱</sup> قَبْضَ شَيْءٍ فَأَمْتَنَعْتُ مِنْ ذَلِكَ وَ كَتَبْتُ أَسْتَطْلِعَ الرَّأْيَ فَأَتَانِي الْجَوَابُ بِالرَّيِّ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْعَرَبِيِّ فَلْيُدْفَعْ إِلَيْهِ فَإِنَّهُ مِنْ ثِقَاتِنَا» (طوسی، ۱۴۱۱، الغيبة، ص ۴۱۵).

### ب) گام دوم: درنگ در سال وفات اساتید و شاگردان راوی

بررسی گزارش‌هایی که سال وفات برخی اساتید<sup>۲</sup> و شاگردان محمدبن احمدبن یحیی را در خود جای داده است، می‌تواند به عنوان قرینه و شاهد برای گمانه‌زنی و نزدیک شدن به حدود سال وفات وی کارساز باشد.

برون داد جدولی که در بخش گمانه ولادت محمدبن احمدبن یحیی گذشت، این است که محدوده رحلت اساتید وی میان سال‌های ۲۶۰ تا ۲۸۰ قرار داشته است. از میان شاگردان او، تنها سال وفات احمدبن ادریس به دست ما رسیده است. احمدبن ادریس در سال ۳۰۶ از دنیا رفته است.<sup>۳</sup>

### ج) گام سوم: مقایسه سال وفات راوی با سال وفات راویان هم‌عصر و هم‌طبقه وی

محمدبن احمدبن یحیی از جمله راویانی است که از نظر طبقه، قدری با دیگر راویان متفاوت است. وی با وجود داشتن روایات فراوانی از احمدبن محمدبن خالد برقی که خود از مشایخ محمد بن یحیی العطار و احمدبن ادریس است، در اسناد فراوانی در نقش اساتید محمدبن یحیی و احمدبن ادریس، نقش آفرینی کرده است. محمدبن یحیی العطار در ۴۰۵ سند در کتاب‌های کافی، تهذیب الاحکام و استبصار و در ۵۹۵ سند در کتاب‌های شیخ صدوق، از محمدبن احمد روایت می‌کند. احمدبن ادریس نیز، در اسناد کتاب‌های صدوق، در ۳۹۱ سند و در اسناد سه کتاب پیش گفته در ۱۰۹ سند از وی روایت دارد.

۱. شایسته است به این نکته توجه شود که بر پایه قرائن موجود، احتمال تحریف «تسعین» از «سبعین» یا «ستین» منتفی است. افزون بر این که در تحقیق کتاب الغيبة، به هیچ نسخه بدلی که بیان‌گر «سبعین» یا «ستین» باشد، اشاره نشده، این حدیث به نقل الغيبة شیخ طوسی، به کتاب بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۳۶۲، ح ۱۰) و خاتمه کتاب مستدرک الوسائل (نوری، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۷۳) راه یافته و هر دو کتاب، اتفاق بر عبارت «تسعین و مائتین» دارد.

۲. هر چند داده‌های تاریخی دیگری نسبت به برخی اساتید محمدبن احمدبن یحیی وجود دارد، اما هیچ یک از مرز سال‌های ۲۶۰ و ۲۸۰ فراتر نرفته است.

۳. نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۹۲، ش ۲۲۸.

نام راویان هم طبقه	تاریخ وفات
محمد بن حسن صفار	۱۲۹۰
عبدالله بن جعفر حمیری	زنده در ۲۹۳
سعد بن عبدالله قمی	۳۰۱
علی بن ابراهیم بن هاشم	زنده در ۳۰۷

توجه به آن چه گفته شد و درنگ در تاریخ وفات هم طبقه های محمد بن احمد، بیان گر آن است که وی در حدود سال های ۲۹۰ تا ۲۹۵ از دنیا رفته است.

در نتیجه پذیرش نظرات اسماعیل پاشا بغدادی (۱۳۹۹ق) (البابانی البغدادی، ۱۹۵۱، ج ۲، ص ۲۰) و عمر رضا کحالة (م. ۱۴۰۸ق) (۱۴۱۴، ج ۹، ص ۲۸) و آیت الله جعفر سبحانی (۱۴۱۸، ج ۳، ص ۴۶۳؛ ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۴۱۳) که سال وفات وی را حدود ۲۸۰ ق گزارش کرده اند با دشواری روبرو است.

### ۲-۳. راه کار دوم؛ ارزیابی داد و ستد حدیثی راوی بر پایه اسناد

یکی از داده های ساده و فراموش شده پیرامون داد و ستد حدیثی و طبقه شناسی راویان، اطلاعات موجود در اسناد است. این دسته از داده ها را می توان به دو بخش تقسیم کرد:

#### ۱-۲-۳. اطلاعات پر تکرار و اطمینان آور

گاه یک سند که در بردارنده رابطه روایی میان چندین راوی است، در کتاب های حدیثی به میزانی تکرار شده است که پژوهش گر به هنگام تعامل با آن سند، به این باور می رسد

۱. نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۵۴، ش ۹۴۸.

۲. نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۱۹، ش ۵۷۳.

۳. نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۷۸، ش ۴۶۷.

۴. اطلاع دقیقی از تاریخ وفات علی بن ابراهیم قمی در دسترس نیست اما بر پایه روایاتی که شیخ صدوق از وی در کتاب های مختلف خویش از جمله *الأمالی* نقل کرده است، چنین استفاده می شود که علی بن ابراهیم تا سال ۳۰۷ قمری زنده بوده است (ر.ک: صدوق، ۱۳۷۶، ص ۶۱، ح ۱۱): «حَدَّثَنَا حَمَزَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ... قَالَ أَحَبُّ بَنِي عَلِيٍّ، بِنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ سَنَةَ سَبْعٍ وَ ثَلَاثِينَ...».

که هیچ خللی میان رابطه روایی راویان موجود در سند وجود ندارد. چنین اسنادی یکی از پشتوانه‌های استوار در شناخت رابطه روایی راویان و بررسی‌های طبقه‌شناختی و سندشناختی است. از این رو، اطلاعات پرتکرار و اطمینان‌آور<sup>۱</sup> چنین اسنادی می‌تواند در شناخت طبقه راویان تاثیر بسزائی بگذارد.

به عنوان نمونه، در اسناد کتاب کافی رابطه «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ» را در ۴۶۴ بار، می‌بینیم.<sup>۲</sup> تکرار فراوان این سند، عامل باور به درستی ارتباط روایی میان راویان مذکور می‌باشد.

### ۳-۲-۲. اطلاعات کم تکرار و غیر قابل اطمینان

در لابه‌لای اسناد کتاب‌های حدیثی، ممکن است که با اسنادی روبرو شویم که به رغم مشهور بودن تمام افراد موجود در سند، نمی‌توان رابطه انعکاس‌یافته در سند را پذیرفت. به عنوان نمونه به گاه جست‌وجو در اسناد کتاب کافی به رابطه روایی: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ...»<sup>۳</sup> برمی‌خوریم. با توجه به مشهور بودن تمام راویان مذکور در این بخش از سند و درنگ در فراوانی رابطه «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ» بدون حضور پدر علی بن ابراهیم، در درستی رابطه میان «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى» تردید می‌کنیم. چنین تردیدی پژوهش‌گر را به واکاوی از چرایی افزوده‌شدن عبارت «عَنْ أَبِيهِ» به سند، وا می‌دارد. کاوشی که می‌تواند دریچه‌ای را فراروی پژوهش‌گر در شناخت عوامل تحریف و زیادتی در سند آشنا سازد.<sup>۴</sup>

همان‌گونه که گذشت، در اسناد کتاب کافی با تکرار ۴۶۴ بار رابطه زیر روبرو هستیم:

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ».

در برخورد با این سند، دو پرسش رخ می‌نماید:

۱. بن‌مایه این بحث از درس گفتارهای پراکنده استاد سید محمدجواد شبیری زنجانی در اوائل دهه هفتاد گرفته شده‌است.

۲. از نمونه اسناد پرتکرار دیگر، سند: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزٍ» است که در کافی، ۴۰۰ بار تکرار شده‌است. (آمار فوق از نسخه ۱/۲ نرم افزار درایة النور گرفته شده است.)

۳. این رابطه روایی تنها دوبار در کتاب کافی ذکر شده‌است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۳۵، ح ۱ و ص ۱۳۶، ح ۲).

۴. گفتنی است که به هنگام مراجعه به نسخه‌های کهن از کتاب کافی درمی‌یابیم که عبارت «عَنْ أَبِيهِ» به اشتباه به سند اضافه شده‌است (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۵۱، پانوش ۹).



(۱) آیا انعکاس این رابطه روایی در اسناد کافی، پیراسته از هرگونه خللی است؟  
 (۲) آیا شکل ارتباط کلینی در اسناد محمد بن عیسی و یونس تا معصوم علیه السلام به گونه متعارف بوده و نافی ارسال می باشد؟  
 در پاسخ به پرسش نخست باید گفت که تکرار فراوان این سند، باعث اطمینان نفسانی به درستی ارتباط روایی میان دو راوی مورد گفت و گو می شود.  
 در پاسخ به پرسش دوم نیز می گوئیم که اسناد مشتمل بر «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ» به گاه منتهی شدن به معصوم<sup>(ع)</sup>، از هر گونه گزندی پیراسته است.  
 راستی آزمایی این گفته را با نگاه به اسناد منتهی به امام صادق<sup>(ع)</sup> در کتاب کافی به تصویر می کشیم.

تعداد اسناد منتهی به امام صادق <sup>(ع)</sup> در کتاب کافی	۱۲۴۷۱ سند
تعداد اسناد ۴ واسطه ای میان کلینی تا امام صادق <sup>(ع)</sup>	۴۹۶۹ سند
تعداد اسناد ۵ واسطه ای میان کلینی تا امام صادق <sup>(ع)</sup>	۵۳۸۷ سند

از آمار پیش رو به دست می آید که از میان ۱۲۴۷۱ سند، تعداد ۱۰۳۵۶ سند دارای ۴ یا ۵ واسطه از مرحوم کلینی تا امام صادق<sup>(ع)</sup> می باشد.  
 به گاه رجوع به سند: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ تا امام صادق<sup>(ع)</sup>» در کتاب کافی، درمی یابیم که این طریق نیز با ۴ یا ۵ واسطه به ایشان می رسد. این پدیده به معنای هماهنگی طریق پیش گفته با حدود ۱۰۳۵۶ سند در اسناد کتاب کافی است.

تحلیل داده های پیش گفته، به این نتیجه منتج می شود که هیچ غرابت و ناسازگاری میان داده های دیگر اسناد کافی با طریق مذکور وجود ندارد. بنابراین، محمدبن عیسی در سن متعارف از یونس تحمل حدیث داشته و تحریف، سقط و ارسال، در رابطه روایی این دو رخ نداده است. افزون بر آن می توان گفت در ساختار اسناد مشتمل بر رابطه روایی محمدبن عیسی و یونس، که به معصوم منتهی می شود، نیز هیچ خلل، ارسال و

گزندی دیده نمی‌شود (برای آگاهی بیشتر با این دست از تحریفات در اُسناد، ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۴۴۰، پانوش ۱ و ج ۴، ص ۷۲۰، پانوش ۶).

### ۳- ۲- ۳. راه‌کار سوم؛ استفاده از عبارات‌السند (تعبیر واسطه) در

#### تعاملات حدیثی راوی با امام<sup>(ع)</sup> یا مشایخ

در بحث‌های پیراسندی، با واژه‌هایی برخورد می‌کنیم که در مقام معرفی راوی، بیان حالات راویان و چگونگی دریافت حدیث سخن می‌گویند. راویان، افرادی هستند که تحمل حدیث توسط آن‌ها صورت می‌پذیرد و در دانش رجال از حالات، طبقه، توثیق و تضعیف ایشان سخن به میان می‌آید. در میان سند، افعال یا حروف یا ترکیب‌هایی از فعل و حرف مانند: «قال حدثنی» و «قال اخبرنی»، «عن»، «قال قرأت علی» وجود دارد که نه تنها پیوند دهنده نام راویان به هم هستند، بلکه بیان‌گر کیفیت تحمل روایت می‌باشد و نقش رابطه و واسطه را در سند ایفا می‌کنند؛ از آن‌ها با عنوان: «تعبیر واسطه» یاد می‌شود.

تعبیر واسطه را می‌توان از زاویه‌های مختلف تقسیم‌بندی کرد. معیار تقسیم‌بندی در این پژوهش چگونگی ارتباط راوی با معصوم<sup>(ع)</sup> یا استاد خویش از منظر نقل روایت مستقیم و غیر مستقیم می‌باشد؛ از همین منظر می‌توان این رابطه را به سه دسته تقسیم کرد:

۱. الفاظی که به صراحت دلالت بر حضور راوی در نزد امام<sup>(ع)</sup> یا استاد خود می‌کند؛ مانند: «عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعِينٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۸۲، ح ۴)؛ «عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۶۶، ح ۲).

۲. الفاظی که ظهور در حضور راوی در نزد امام علیه‌السلام یا استاد دارد؛ مانند: «زُرَّارَةَ بْنِ أَعِينٍ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۷۱، ح ۱۱)

۳. تعبیر واسطه‌ای که بر روایت مستقیم، نه صراحت و نه ظهور دارد؛ مانند: «عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعِينٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ<sup>(ع)</sup>» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۴۲، ح ۲۹)؛ «عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ<sup>(ع)</sup> يَقُولُ...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۱۹، ح ۴).

گفتنی است که در شناخت طبقه راوی و میزان روایت راوی از امام (ع) یا استاد، در گام نخستین باید به تعابیر واسطه‌ای که به گونه صریح نشان‌گر روایت مستقیم است، توجه گردد. در گام بعدی با درنگ در تعبیرهای صریح، به تفسیر دیگر واژه‌ها و عبارات پرداخته می‌شود (برای توضیح بیشتر درباره تعبیرهای واسطه، ر.ک: شبیری زنجانی، ۱۳۹۸).

به عنوان نمونه: تعابیر واسطه در روایت پیش‌رو به روشنی دلالت بر روایت مستقیم محمدبن عیسی بن عبید از امام رضا (ع) دارد:

«حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْرُورٍ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ بَطَّةَ قَالَ حَدَّثَنِي عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عَبْدِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ (ع) مَا تَقُولُ إِذَا قِيلَ لَكَ أَخْبِرْنِي عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ شَيْءٌ هُوَ أَمْ لَا؟ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ قَدْ أَتَيْتَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ نَفْسَهُ شَيْئًا حَيْثُ يَقُولُ «قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ». فَأَقُولُ إِنَّهُ شَيْءٌ لَا كَالْأَشْيَاءِ إِذْ فِي نَفْيِ الشَّيْئَةِ عَنْهُ إِبْطَالُهُ وَ نَفْيُهُ قَالَ لِي صَدَقْتَ وَ أَصَبْتَ ثُمَّ قَالَ لِي الرَّضَا (ع) لِلنَّاسِ فِي التَّوْحِيدِ ثَلَاثَةٌ مَذَاهِبَ نَفْيٍ وَ تَشْبِيهِ وَ إِثْبَاتٍ بَعِيرٍ تَشْبِيهِ فَمَذْهَبُ النَّفْيِ لَا يَجُوزُ وَ مَذْهَبُ التَّشْبِيهِ لَا يَجُوزُ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يُشْبَهُهُ شَيْءٌ وَ السَّبِيلُ فِي الطَّرِيقَةِ الثَّلَاثَةِ إِثْبَاتٌ بِالتَّشْبِيهِ» (صدوق، ۱۳۹۸، ص ۱۰۷، ح ۸).

۳-۲-۴. راه‌کار چهارم: توجه به شأنیت راوی در مخاطب واقع شدن از

سوی امام (ع) یا مشایخ

گفت‌وگوی علمی میان راوی با امام یا مشایخ خود بدین معناست که وی از جهت سن و رشد علمی در حد قابل قبولی قرار دارد که از یک سو شأنیت مخاطب واقع شدن را دارا بوده و از سوی دیگر گزارش ملاقات خود را به همراه دقیق‌ترین داده‌های دادوستد شده به نسل‌های پسین انتقال می‌دهد. از این دست قرینه‌ها در میان احادیث یک راوی، به شناخت و تحدید طبقه وی کمک شایانی می‌کند.

به عنوان نمونه می‌توان به دو چالش مهم در طبقه محمدبن عیسی بن عبید اشاره کرد که با کمک راه کار چهارم زدوده شده است.

**چالش اول:** شیخ طوسی به گاه یادکرد از محمدبن عیسی بن عبید در کتاب رجال، وی را در طبقه اصحاب امام رضا<sup>(ع)</sup> معرفی کرده است (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۳۶۷، ش ۵۴۶۴). شاید چنین به نظررسد که سخن کشی (کشی، ۱۴۰۹، ص ۵۳۷، ش ۱۰۲۱) و نجاشی (۱۳۶۵، ص ۳۳۳، ش ۸۹۶) به نقل از نصر بن صباح، که به گونه‌ای ارتباط میان محمدبن عیسی و حسن بن محبوب را زیر سوال می‌برد، با سخن شیخ طوسی ناسازگار باشد؛ بدین معنا که کوچکی سن وی با حسن بن محبوب، از اصحاب امام رضا<sup>(ع)</sup>، مانع می‌شود که وی بتواند با امام رضا<sup>(ع)</sup> ارتباط روایی گرفته و از ایشان تحمل حدیث داشته باشد.

بر پایه راه‌کار چهارم، با واکاوی و جستجو در منابع اعتبارسنجی و حدیثی، می‌توان دو گزارش زیر را در نادرستی این چالش فراز آورد. گزارش اول مربوط به همراهی محمدبن عیسی با یونس برای ملاقات امام رضا<sup>(ع)</sup> است. وی در این دیدار شأنیت مخاطب واقع شدن را داشته و گفت‌وگوی میان امام و یونس را بازتاب داده است (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۳۴۵، ح ۱۲۵۳). در گزارش دیگر، محمدبن عیسی بن عبید از نظر سنی در جایگاهی قرار دارد که امام رضا<sup>(ع)</sup> وی را در کنار یونس و برادرش مورد خطاب قرار داده تا به‌عنوان نائب از جانب امام حج بگزارد. همچنین شأنیت وی به‌گونه‌ای است که حضرت به‌طور خاص هم‌روا مأمور می‌کند تا با وکالت از ایشان، همسر امام را طلاق دهد و مالی را به او پرداخت کند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۴۰، ح ۱۲۱).

**چالش دوم:** برآیند گفتار نصر بن صباح در کتاب کشی (۱۴۰۹، ص ۵۳۷، ش ۱۰۲۱) و رجال نجاشی (۱۳۶۵، ص ۳۳۳، ش ۸۹۶)، می‌تواند به برانگیختن چالش در رابطه روایی میان محمدبن عیسی بن عبید با یونس بن عبدالرحمن بیانجامد.

در تبیین این سخن باید گفت که سال وفات حسن بن محبوب ۲۲۴ قمری و تاریخ وفات یونس حداکثر تا زمان شهادت امام رضا<sup>(ع)</sup> یعنی سال ۲۰۳ قمری می‌باشد؛ بدین ترتیب فاصله وفات این دو راوی، ۲۱ سال خواهد بود. چالش در این است که اگر محمدبن عیسی بن عبید از شاگردان کوچک حسن بن محبوب باشد، چگونه می‌تواند به شکل طبیعی و در سن قابل قبولی، یونس بن عبدالرحمن را درک کرده و از وی روایت کرده باشد؟

گزارش کلینی از گفت‌وگوی میان یونس بن عبدالرحمن و امام رضا<sup>(ع)</sup> که توسط محمد بن عیسی بن عبید گزارش شده است، به روشنی بر شأنیت محمد بن عیسی بن عبید در تحمل از یونس بن عبدالرحمن، دلالت دارد.

محمد بن عیسی بن عبید گوید:

«كُنْتُ أَنَا وَ ابْنُ فَضَالٍ جُلُوسًا إِذْ أَقْبَلَ يُونُسُ فَقَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ أَكْثَرَ النَّاسُ فِي الْعُمُودِ قَالَ فَقَالَ لِي يَا يُونُسُ مَا تَرَاهُ؟ أَتَرَاهُ عَمُودًا مِنْ حَدِيدٍ يُرْفَعُ لِصَاحِبِكَ؟ قَالَ قُلْتُ مَا أَدْرِي. قَالَ لَكِنَّهُ مَلَكٌ مُوَكَّلٌ بِكُلِّ بَلَدَةٍ، يُرْفَعُ اللَّهُ بِهِ أَعْمَالُ تِلْكَ الْبَلَدَةِ. قَالَ فَقَامَ ابْنُ فَضَالٍ فَقَبَّلَ رَأْسَهُ وَ قَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَا تَزَالُ تَجِيءُ بِالْحَدِيثِ الْحَقِّ الَّذِي يُفَرِّجُ اللَّهُ بِهِ عَنَّا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۸۸، ح ۷).

از این گزارش آشکار می‌شود که سن محمد بن عیسی بن عبید به گونه‌ای است که شأنیت نشستن و مورد خطاب واقع شدن با استاد خود (یونس) و همچنین با هم طبقه استاد خویش یعنی ابن فضال را در دادوستدهای علمی دارد (ر.ک: حسینی شیرازی، لطفی پور، ۱۴۰۲، فصل اول).

## نتیجه‌گیری

(۱) در این پژوهش با توجه به کاستی‌های موجود در نگاه طبقه‌شناسانه گذشتگان، به چهار راهکار نوین در جمع‌آوری قرینه‌ها به هدف شناخت طبقه راوی روی آورده شده است:

الف) شیوه تخمین حیات راوی (ولادت و وفات)؛

ب) ارزیابی داد و ستد حدیثی راوی بر پایه اسناد؛

ج) استفاده از عبارات‌السند (تعابیر واسطه) در تعاملات حدیثی راوی با امام علیه‌السلام یا مشایخ؛

د) توجه به شأنیت راوی در مخاطب واقع‌شدن از سوی امام علیه‌السلام یا مشایخ.

(۲) راه‌کار اول در شیوه تخمین حیات راوی است که عملکرد آن در تاریخ ولادت محمدبن عیسی بن عبید، ابراهیم بن هاشم و محمدبن احمد بن یحیی قابل مشاهده است.

(۳) بر پایه راه‌کار دوم، گاه سندی در کتاب‌های حدیثی به میزانی تکرار شده است که پژوهش‌گر به هنگام تعامل با آن سند، به این باور می‌رسد که هیچ خللی میان رابطه روایی راویان موجود در سند وجود ندارد. چنین اسنادی یکی از پشتوانه‌های استوار در شناخت رابطه روایی راویان و بررسی‌های طبقه‌شناسی و سندشناختی است.

(۴) راه‌کار سوم بدین گونه است که در بحث‌های پیراسندی، با واژه‌هایی برخورد می‌کنیم که در مقام معرفی راوی، بیان حالات راویان و چگونگی دریافت حدیث سخن می‌گویند. برخی از این واژه‌ها نه تنها پیونددهنده نام راویان به هم هستند بلکه بیان‌گر کیفیت تحمل روایت می‌باشد و نقش رابطه و واسطه را در سند ایفا می‌کنند؛ از آن‌ها با عنوان «تعابیر واسطه» یاد می‌شود. از این تعابیر می‌توان در شناخت طبقه راوی و میزان روایت راوی از امام علیه‌السلام یا استاد بهره فراوان برد.

۵) راه کار چهارم بدین معناست که راوی از جهت سنّ و رشد علمی در حد قابل قبولی قرار دارد که از یک سو شأنیت مخاطب واقع شدن در گفت و گوی علمی میان وی با امام<sup>(ع)</sup> یا مشایخ خود را دارا بوده و از سوی دیگر گزارش ملاقات خود به همراه دقیق ترین داده های دادوستد شده را به نسل های پسین انتقال می دهد.

۶) توجه به راه کارهای پیش گفته و به کارگیری آن در شناخت طبقه راویان، نشان داد که در رابطه روایی محمد بن عیسی بن عبید با امام رضا<sup>(ع)</sup> و یونس بن عبدالرحمن هیچ خلل و ارسالی رخ نداده است. هم چنان که روایات مستقیم محمد بن احمد بن یحیی از محمد بن عیسی بن عبید، پیراسته از هر خلل و ارسالی است.

## منابع

۱. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۷۶ ش). *الأمالی*، تهران: انتشارات کتابچی.
۲. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۹۸ ق). *التوحید*، مصحح: هاشم حسینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۴۱۳ ق). *من لایحضره الفقیه*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۴. ابن صلاح، تقی الدین عثمان بن عبدالرحمن (۴۰۶ ق). *معرفة أنواع علوم الحديث* (مقدمة ابن الصلاح)، المحقق: نورالدین عتر، سوریا/ بیروت: دارالفکر و دارالفکر المعاصر.
۵. ابن فارس، أحمد (۴۰۴ ق). *معجم مقائیس اللغة*، مصحح: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۶. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ ش). *کامل الزیارات*، عبدالحسین امینی، نجف اشرف: دارالمرتضویة.
۷. البابانی البغدادی، إسماعیل بن محمد امین (۱۹۵۱ م). *هدية العارفين أسماء المؤلفين وآثار المصنفين*، استانبول: طبع بعناية وكالة المعارف الجلیلة فی مطبعتها البهیة
۸. البخاری، محمد بن إسماعیل (۴۲۲ ق). *صحیح البخاری*، المحقق: محمد زهیر بن ناصر، بیروت: دار طوق النجاة.

۹. الجابلقی، السید علی‌أصغر (۱۴۱۰ق). *طرائف المقال في معرفة طبقات الرواة*، تحقیق: السید مهدی الرجائی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۱۰. حسینی شیرازی، سید علیرضا (۱۴۰۰ش). *ابراهیم بن هاشم؛ بازخوانی فرایند انتقال حدیث کوفه به قم؛ گمانه‌های وثاقت*، قم: نشر رودآبی.
۱۱. حسینی شیرازی، سید علیرضا و لطفی پور، محمد (۱۴۰۲ش)، *محمد بن عیسی بن عبید در آینه پنج گفتار*، قم: نشر رودآبی.
۱۲. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق). *قرب الإسناد*، قم: مؤسسه آل‌البتین علیهم‌السلام.
۱۳. الربیعی، حسن کریم ماجد (۱۴۲۹ق)، *الطبقات و اثرها في الحديث الشريف، علوم الحديث* (نجف اشرف)، ۱۲ (۲۳)، ۲۷-۴۸.
۱۴. سالم قیم، أسعد (۱۴۱۵ق). *علم طبقات المحدثين؛ أهميته وفوائده*، الرياض: مکتبه الرشد.
۱۵. سبحانی، جعفر (۱۴۱۸ق). *موسوعة طبقات الفقهاء*، اللجنة العلمية في مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام، قم: مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام.
۱۶. سبحانی، جعفر (۱۴۲۴ق). *معجم طبقات المتكلمين*، اللجنة العلمية في مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام، قم: مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام.
۱۷. السیوطی، جلال‌الدین (بی‌تا). *تدريب الراوي في شرح تقريب النواوي*، تحقیق: أبوقتیبة نظر محمد الفاریابی، بی‌جا: دارطیبة.
۱۸. شبر، غیث (۱۴۳۵ق). *معجم طبقات المكثرين*، النجف الأشرف: مرکز المرتضی لإحياء التراث و البحوث الإسلامية.
۱۹. شبیری زنجانی، سید محمدجواد (۱۳۹۸ش). *نقش تعبیر واسطه در معجم رجال، تنظیم: سید محسن میرمهدی، مجله ره آورد نور (ویژه‌نامه پژوهش‌های رجالی)*، ۱۸ (۶۷ و ۶۹).
۲۰. شبیری زنجانی، سید محمدجواد، (بی‌تا)، *درس گفتار رجال*، جلسه ۲۶.
۲۱. [https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/shobeiry\\_mohammad/rejal/91/026/](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/shobeiry_mohammad/rejal/91/026/)
۲۲. شهیدثانی، زین‌الدین علی‌بن‌احمد (۱۴۱۳ق). *الرعاية في علم الدراية*، تحقیق: عبدالحسین محمدعلی البقال، قم: مکتبه آیه الله المرعشی.
۲۳. طباطبائی بروجردی، سید حسین (۱۳۸۵ش). *اسانید کتاب الکافی*، استدراک: محمد دریاب نجفی، قم: مؤسسه آیه‌الله البروجردی.



۲۴. طباطبائی بروجردی، سید حسین (۱۴۲۱ق). *إطالة على الرجال والحديث*، اعداد: محمد مهدي، نجف، قم: المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الاسلامية.
۲۵. طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۷۳ش). *رجال الطوسي*، تصحيح: جواد القيومي، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.
۲۶. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق). *تهذيب الأحكام*، تصحيح: حسن الموسوي خراسان، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۷. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق). *الغيبة*، مصحح: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: دار المعارف الإسلامية.
۲۸. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق). *مصباح المتهجد و سلاح المتعبد*، بيروت: مؤسسة فقه الشيعة.
۲۹. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۲۰ق). *فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول*، تحقيق: عبدالعزيز طباطبائي، قم: مكتبة المحقق الطباطبائي.
۳۰. العاملي، حسين بن عبدالصمد (بی تا). *وصول الأخبار إلى اصول الأخبار*، المحقق: السيد عبداللطيف الكوهكمری، قم: مجمع الذخائر الإسلامية.
۳۱. عتر الحلبي، نورالدين محمد (۱۴۱۸ق). *منهج النقد في علوم الحديث*، دمشق: دارالفکر.
۳۲. قاضی عیاض، عیاض بن موسی (۱۳۷۹ق). *الإلماع إلى معرفة أصول الرواية وتقييد السماع*، المحقق: السيد أحمد صقر، القاهرة: دار التراث و المكتبة العتيقة.
۳۳. كحالة، عمر رضا (۱۴۱۴ق)، *معجم المؤلفين*، بيروت: مكتبة المثنى - دار إحياء التراث العربي.
۳۴. كشي، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق). *إختيار معرفة الرجال*، محمد بن الحسن الطوسي، تحقيق: حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
۳۵. كليني، محمد بن يعقوب (۱۴۰۷ق). *الكافي*، تحقيق: علي أكبر غفاري و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۳۶. كليني، محمد بن يعقوب (۱۴۲۹ق). *الكافي*، مصحح: دار الحديث، قم: انتشارات دار الحديث.
۳۷. مامقانی، عبدالله (بی تا). *تنقيح المقال في علم الرجال*، بی جا: بی نا.

۳۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الأطهار*، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۳۹. مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶ق)، *روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه*، مصحح: حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاردی، قم: مؤسسه فرهنگي اسلامي كوشانبور.
۴۰. موحد ابطحي، محمدعلی (۱۴۱۷ق)، *تهذيب المقال في تنقيح كتاب النجاشي*، قم: بی نا.
۴۱. نجاشي، احمدبن علی (۱۳۶۵ش). *رجال النجاشي*، قم: مؤسسه النشر الاسلامي.
۴۲. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام
۴۳. النووي، أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف (۱۴۰۵ق). *التقريب و التيسير لمعرفة سنن البشير النذير في أصول الحديث*، تحقيق: محمد عثمان الخشت، بيروت: دارالكتاب العربي.

## References

1. Ibn Bābiwayh (Sadouq), Muhammad bin Ali (1997). *Al-Amālī*. Mohammad Baqer Kamarei, 6th edition, Tehran: Ketabchi. [In Arabic]
2. Ibn Bābiwayh (Sadouq), Muhammad bin Ali (1398 AH). *Al-Tawhīd*. Qom: Jāmi' Mudarrisīn. [In Arabic]
3. Ibn Bābiwayh (Sadouq), Muhammad bin Ali (1413 AH). *Man lā Yahduruh al-Faqīh*, [researcher: Ali Akbar Ghafari,] second edition, Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
4. Ibn Salāh, Taqī al-Din Othman ibn Abd al-Rahman (1406 AH). *Mar'arafat Anwa' 'Ilm Al-Hadith* (Introduction of Ibn al-Salah). [research: Noor al-Din 'Itir], Syria/Beirut: Dar al-Fikr and Dar al-Fikr al-Mu'āsir. [In Arabic]
5. Ibn Faris, Ahmad Ibn Faris (1404 AH). *Mu'jam Maqāyīs al-Lughā*, [researcher/corrector: Haroun, Abdus Salam Muhammad,] Qom: School of Islamic Studies. [In Arabic]
6. Ibn Qouliwayh, Ja'far bin Muhammad (1356 AH). *Kāmil al-Zīyārāt*, Abdul Hossein Amini, Najaf Ashraf: Dar al-Mortadwīya. [In Arabic]
7. Al-Bābānī al-Baghdadi, Ismail bin Muhammad Amin bin Mir Salim (1951). *Hadiya al-'Ārifin*, Istanbul: Printed by the Al-Maarif Al-Jalila Library in the Al-Bahia Press.
8. Al-Bukhari, Muhammad bin Ismail Abu Abdullah (1422 AH). *Sahih al-Bukhari*, [Research: Muhammad Zuhair bin Nasser al-Nasser,] Beirut: Dar Tawq al-Najat. [In Arabic]
9. Al-Jabalqī, Sayyid Ali Asghar (1410 AH). *Ta'rif Al-Maqāl ft Ma'rafah Tabaqāt Al-Ruwāt*, [Research: Sayyid Mahdi Al-Rajī,] Qom: Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi Library. [In Arabic]
10. Hosseini Shirazi, Seyyed Alireza (1400 SH). *Ibrahim bin Hashem*, Qom: Roudabi Publishing. [In Persian]
11. Hosseini Shirazi, Seyyed Alireza, Lotfipour, Muhammad (1402SH). *Muhammad bin Isa bin Ubaid dar Ayane Panj Gofar*, Qom: Roudabi Publishing House. [In Persian]

12. Humairī, Abdullah bin Jaafar (1413 AH). *Qurb al-Asnad*, Qom: Āl-Bayt Foundation. [In Arabic]
13. Al-Rabī, Hasan Karīm Mājīd (1429 AH). “Al-Tabaqāt wa Atharahā fil-Hadīth al-Sharīf”, *Uloum al-Hadith*, 12(23): 27-48. [In Arabic]
14. Salem Qayyem, As’ad (1415 AH). *’Ilm al-Tabaqāt Al-Muhaddithīn*, Riyadh: Al-Rashad Library. [In Arabic]
15. Sobhānī, Ja’far (1424 AH). *Mu’jam Tabaqāt al-Mutakalemin*, Islamic Committee in Imam al-Sadiq (AS), Qom: Imam al-Sadiq (AS). [In Arabic]
16. Sobhani, Ja’far (1418 AH). *Mu’jam Tabaqāt al-Fuqahā*. Islamic Committee in Imam al-Sadiq (AS), Qom: Imam al-Sadiq (AS). [In Arabic]
17. Al-Suyoutī, Jalaluddin (nd), *Tadrīb ar-Rāwī fī Sharh Taqrīb an-Nawawī*, [research: Abu Qutayba Nazār Mohammad Al-Faryabi,] NP: Dar Tayeba. [In Arabic]
18. Shubbar, Ghaith (1435 AH). *Al-Mu’jam Tabaqāt Al-Mukthirīn*, Al-Najaf Al-Ashraf: Al-Mortaza Center for Revival of Heritage and Islamic Research. [In Arabic]
19. Shubayrī Zanjānī, Sayyed Mohammad Javad (2019).” Naqsh Ta’bire Waseteh (the role of interpretation of the mediator) in Mu’jam Rijāl”. [edited by Sayyed Mohsen Mirmehdi,] *Rahavard Noor Magazine*, 67&69. [In Persian]
20. Shubayrī Zanjānī, Seyyed Mohammad Javad (nd), *Rijāl Speech Lesson*, Session 26. Available at: [https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/shobeiry\\_mohammad/rejal/91/026/](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/shobeiry_mohammad/rejal/91/026/)
21. Shahid Thāni, Zain al-Din Ali bin Ahmad (1413 AH). *Al-Ri’āyah fī ’Ilm al-Dirāyah*, [Research: Abdul Hossein Muhammad Ali al-Baqqāl,] Qom: Ayatollah Al-Mar’ashī Library. [In Arabic]
22. Tabātabāī al-Boroujirdī, Al-Sayyid Hossein (2006). *Asānīd Kitāb al-Kāfī*, [research: Mohammad Daryab Najafi,] Qom: Ayatollah Al-Buroujirdī Foundation. [In Arabic]

23. Tabātabā'ī al-Boroujirdī, Al-Sayyid Hossein (1421 AH). *'Itlālat 'ala al-Rijāl wal-Hadith*, [Research: Muhammad Mahdi, Najaf, Qom: Al-Majma' Al-Ālamī. [In Arabic]
24. Tousī, Muhammad bin Al-Hassan (1994). *Rijāl Al-Tousī*, [edited by: Jawad Al-Qayoumi,] Qom: Al-Nashr al-Islami Foundation. [In Arabic]
25. Tousī, Muhammad bin al-Hassan (1411 AH). *Kitāb al-Ghayba*, Muhammad bin al-Hassan Tousī, [proofreader: Ebadullah Tehrani and Ali Ahmad Naseh,] Qom: Dar al-Ma'arif al-Islami. [In Arabic]
26. Tousī, Muhammad ibn al-Hassan (1411 AH). *Miṣbāḥ al-Mutahajjid Wa Salāḥ al-Muta'abbid*, Beirut: Shi'a Fiqh Institute. [In Arabic]
27. Tousī, Muhammad bin al-Hassan (1407 AH). *Tahdhīb al-Aḥkām*, [edited by Hasan al-Mousavi Kharsan,] Tehran: Dar al-Kutb al-Islamīyah. [In Arabic]
28. Tousī, Muhammad ibn al-Hassan (1420 AH). *Fihrist Kutub al-Shī'a wa Uṣūlihim wa Asmā' al-Muṣannifīn wa Aṣḥāb al-Uṣūl*, [research: Abd al-Aziz Tabātabā'ī,] Qom: Al-Muhaqiq Tabātabā'ī Library. [In Arabic]
29. Al-Āmilī, Hossein bin Abdul-Samad (nd), *Wusoul Al-Akhyār*, [research: Sayyid Abdul Latif Al-Kuhkamarei,] Majma' al-Dhakhā'ir al-Islāmīya. [In Arabic]
30. 'Ittir al-Halabi, Nur al-Din Muhammad (1418 AH). *Manhaj Al-Naqd fī 'Ulum Al-Hadith*, Damascus: Dar al-Fikr. [In Arabic]
31. 'Ayāz Ibn Musa (1379 AH). *Al-'Ilmā'*, [research: Sayyed Ahmed Saqr,] Cairo/Tunisia: Dar al-Turāth wal-Maktabat al-'Atīqah. [In Arabic]
32. Kahōla, 'Umar Reza (1414 AH). *Mu'jam al-Mu'allifīn*, Beirut: Al-Muthannā Library - Dar 'Ihyā' al-Turāth al-Arabī. [In Arabic]
33. Kashī, Muhammad bin 'Umar (1409 AH). *Ikhtiyār Ma'rifat al-Rijāl*, Muhammad bin Al-Hasan al-Tousī, [research: Hasan Mostafavi,] Mashhad: Mashhad University Publishing House. [In Arabic]

34. Kulainī, Mohammad bin Ya'qoub (1407 AH), *Al-Kāfī*, [researcher/corrector: Ali Akbar Ghafari and Mohammad Akhundi,] Tehran: Dar al-Kutub al-Islāmīya. [In Arabic]
35. Kulainī, Muhammad bin Yaqub (1429 AH). *Kāfī*, [edited by: Dar al-Hadith,] Qom: Dar al-Hadith Publications. [In Arabic]
36. Mamqānī, Abdallah (nd). *Tanqīh al-Maqāl fī 'Ilm al-Rijāl*. [In Arabic]
37. Majlesi Mohammad Taqi (1406 AH). *Rawḍat al-Muttaqīn fī Sharḥ Man lā Yaḥḍuruhu al-Faqīh*, [revised by Hossein Mousavi Kermani and Ali Panah Eshtreddi,] Qom: Koushanpur Islamic Cultural Institute. [In Arabic]
38. Majlisī, Mohammad Bagher (1403 AH). *Bihār al-Anwār*, [researcher/corrector: a group of researchers,] Beirut: Dar 'Ihyā al-Turāth al-Arabi. [In Arabic]
39. Movahhid Abtahi, Muhammad Ali (1417 AH). *Tahdhīb Al-Maqāl fī Tanqīh Kitāb al-Najāshī*, Qom: np. [In Arabic]
40. Najāshī, Ahmad bin Ali (1986). *Rijāl al-Najāshī*, Qom: Al-Nashr al-Islami. [In Arabic]
41. Noori, Hossein bin Muhammad Taqi (1408 AH). *Mustadrak al-Wasā'il wa Mustanbiḥ al-Masā'il*, Qom: Āl- al-Bayt Foundation (as). [In Arabic]
42. Al-Nawawī, Abu Zakariā Muhy al-Din Yahya bin Sharaf (1405 AH). *Al-Taqrīb wa al-Taysīr*, [research: Muhammad Othman al-Khasht,] Beirut: Dar al-Kitāb al-Arabi. [In Arabic]